

## رمضان؛ تابش نور اخلاص و تقوی

السلام علیک یا شهر الله الاکبر و یا عید اولیائے «سلام بر تو ای ماه بزرگ خدا و ای جشن دوستان او» ماه رمضان، ماه نوسازی جسم و جان و ماه صفا و پاکی روح است؛ رمضان، ماه نزول قرآن و بهار تلاوت آن است.

عظمت و شکوه این ماه در اسلام به حدی است که همه فعالیتها و کارها و افکار را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

رمضان، ماه عبادت و خودسازی است و در روایات اسلامی، وعده‌های فراوان برای استجاب دعاها و پاداش بسیار برای عبادتهای این ماه داده شده است.

این ماه به خاطر ویژگیهایش «ماه خدا» لقب یافته است و روزه نیز عبادت ویژه پروردگار نامیده شده است: «الصوم لی وانا اجزی به»<sup>(۱)</sup> (روزه برای من و به خاطر من است و من پاداش آن را خواهم داد).

پیامبر گرامی (ص) به جابر فرمود: «هر کس در روزهای این ماه روزه بدارد و شبهای آن به یاد خدا بیدار شود، شکم را از حرام و دامن را از آلودگی حفظ کند و زبان خود را نگه دارد، از گناهان بیرون می‌رود همچنانکه از این ماه بیرون می‌رود. «جابر» عرض کرد: چه نیکو است این حدیث. پیامبر فرمود: اما چه دشوار است اجرای شرایط آن، ای جابر.<sup>(۲)</sup>

در روایات، از روزه به «سیر» تعبیر شده است که انسان را از آتش جهنم باز می‌دارد. این ماه، ماه توبه و استعفار است و شقی‌ترین مردم کسی است که از غفران و آمرزش این ماه عظیم محروم بماند:

«الشی من حرم غفران الله فی هذا الشهر العظیم»<sup>(۳)</sup>

پیامبر (ص) در ضمن خطبه آخرین جمعه ماه شعبان، وظایف مسلمانان و عظمت این ماه را یاد آور شد و هنگامی که امیر مؤمنان علی (ع) از برترین و بهترین اعمال در این ماه پرسش کرد. فرمود: «افضل الاعمال فی هذا الشهر، الورع من محارم الله»<sup>(۴)</sup>. بهترین عمل در این ماه پرهیزگاری و خودداری از گناهان است.

روزه، عامل مهمی برای تقویت اراده و تمرین برای افزایش نیرو و توان در برابر خواسته‌ها و تمایلات نفسانی و... است. و نیز عامل مهمی برای کسب تقوی است که قرآن هم بدان اشاره می‌کند.

«لعلکم تتقون»<sup>(۵)</sup>

و نیز یکی از عوامل مهم توجه و همدردی با زیردستان و محرومان و باعث تحریک عواطف و تقویت بیشتر روح همبستگی اسلامی است.

اینک ای دل غفلت نصیب من هشدار، که رمضان  
 است و لحظه دیدار و یار در خلوت انس، همیشه تهاست. یار  
 را می گویم، حسرت چه خوری که ای کاش شی رابا او در  
 خلوت انس بودم و مردمک دیده را آینه دار جمال وی  
 می کردم!

او بی مشغله است. او با تو است؛ فراغتی حاصل کن تا او  
 را ببایی، او پنهان نیست؛ این افسانه کوران است که یار،  
 ناپیداست.

ماه، ماه اوست و فصل، فصل عشق و عرفان، هنگامه  
 دیدار است، چشم دل با زکن و بنگره که در همه جا اوست.  
 خانه دل را از غیر خالی کن و از یار سرشاره که: «لان اصل  
 الحب التبری عن سوی المحبوب»  
 نامحرمان خلوت انس پندارند که جمال یار ناپیداست. آوخ،  
 چه غفلتی! مگر جز جمال یار چیز دیگری پیداست.  
 او رایی نشانش میخوان که نشان همه بی نشانان است. به او  
 تقرب جوی، عشق بورز که تو اکنون در حضوری  
 صحبت از فراق مکن و بدان که او نسبت به تو، «اقرب  
 من جبل الورد» است.

حسرت بهار چه خوری که صد گلشن بهاری در ذات تو  
 تو و حبله وصل، تنها یک پرده فاصله است.

اینک، ای دل بیچاره و متحیر وادی ضلالت؛ ای  
 سرمت از جام غفلت و خودپرستی که از نماز اهل معرفت و  
 سجود اصحاب قلوب محرومی؛ وقت آن است که حالت  
 قصور و تقصیر خود و مذلت و خواری خویش را در نظر  
 احتجاب خود متنهف باشی و از این خسران و تسلط نفس و  
 شیطان به او پناه بری؛ شاید تو را حالت توجه و اخلاص و  
 اضطرابی دست دهد و آن ذات مقدس، مضطربین را اجابت  
 فرماید.

«امن یجیب المضطرب اذا دعاه و یكشف السوء»  
 پس با حال پریشان و مضطرب و افسردگی و پژمان سر  
 به خاک مذلت که اصل خلقت تو است بگذار و یاد از نشأه

ذات و مسکت خود کن و با لسان حال، از حق تعالی که ولی  
 نعمت ماست جبران تقایص را طلب کن.

هان ای دل مغفول نسیان زده؛ چون مهر صیام بر لب

تهادی، یکوش حقوق الهی راتیک به جای آری.  
 مواظب باش در برابر مالک مطلق، گردن فرازی نکنی. از مرز  
 وظایف خود تجاوز نمانی، پای از گلم خود فراتر مگذار.  
 عدالت پیشه باش، جانب عدل و انصاف نگه دار. با تضرع و  
 خاکساری به نماز بایست. جبین آسمان فراز خود را در برابر  
 او به خاک عجز و بی‌تکلیف سالی. به قضای دوست گردن تسلیم  
 نه و به داده او رضا باش. به تکلیف دینی و انسانی خود عامل  
 باش. شهد صبر را در جام جان ریز و سختیها را در مسیر  
 وصال به خود گوارا کن. شکایت از یار تو را به دوست مگوی  
 (که او خود عالم غیب و شهود است) اما نیت آنرا در مقام  
 حضور عرضه دار. شکوه و عظمت محبوب رئیس دار و عجز  
 و ناتوانی خود را آشکار کن.

شب هنگام، رخسار به اشک خوف و شوق شوی و روز، به  
 خدمت خلق در آئی. لذت عزلت نشینی را به ریا با کسی باز  
 مگوی.

ای دل! اگر یک نفس بی او شستی، بهره از عمر نبینی.  
 زردچهرگان تھی دست معین.

زنگ در سرای زافه نشینان مست و ایتم بی پناه و  
 چشم به راه به صدا درآر، تا صدای خدی را بشوی. در پشت  
 دیوار تن، گنجینه‌ای است که تمام دنیای عالم بقا در آن است،  
 دیوار تن را فرود ریز تا به آن گنج بی‌بافت دست یابی.

ای دل! اگر مشتاق تقایی، سخن را از دشمن پیشوای  
 معصوم حضرت جعفرین محمد صادق علیه السلام به گوش  
 جان شنو که فرمود:

المشاقق لایشی طمناً ولا یسئ شراً، ولا یستطیب  
 رقاداً، ولا یأیس حسیماً و لا یؤی داراً و لا یسکن عمراناً و  
 لا یلبس لیلاً و لا یفر فراراً و یعدله لیلاً و نهاراً، راجحاً بان  
 یصل الی ما اشتاق الیه و یحیی بسان التوق معراً عمّاً فی  
 سریره تن. (۹)

«هرکه مشتاق لقای الهی شد خواهش طعام و شراب و لذت اینها از او قطع می‌شود، و میل خواب و استراحت از او برطرف می‌شود، و به دوست و مصاحب و رفیق انس نمی‌گیرد، و در منزل و خانه مأوی نمی‌کند، و در معموره ساکن نمی‌شود، و لباس نرم نمی‌پوشد، و به جایی قرار نمی‌گیرد، و در هیچ وقت از اوقات از عبادت و ذکر الهی فارغ نمی‌شود. همیشه با آرزوی لقای الهی، به زبان شوق مناجات می‌کند و به الفاظ و عبارات تعبیر می‌نماید.

دل به مهر تو صدپاره باد و هرپاره

هزار ذره و هر ذره در هوای تو باد (۷)

ای دل در هوای نفس هباء شده‌ام؛ هرگاه که خود را چنین واله و شیدا یافتی که امامت تعلیم فرمود، (و سالکان طریقت و عاملان شریعت از این امتحان الهی سرفراز بیرون آمدند)، و با عاکفان و عزلت‌نشینان متعهد هم سو و هم جهت گردیدی، تو را بشارت با ذکة گوهر ذات و جوهر وجودت در شهر رمضان خواهد درخشید و در این ضیافت عام، بارخواهی یافت، و زجاجهٔ جاننت از نوری که همه کائنات را در بر گرفته است. «الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه الزجاجه کانهما کوکب دری...» (۸) متلأق خواهد شد.

در این ماه، سر از سجود معبود بر متاب. شب هنگام بر فراز بام خانه درآ و با نسیم پال سروش غیب که تنزیل کریم را برای محمد مصطفی «صلی الله علیه وآله وسلم» به ارمغان می‌آورد، دماغ جان تازه کن. در سکوت خیال انگیز شب، صفای علی (ع) را پشتو که چسان لطیف و شیرین با معبود خود به نجوا نشسته و با ناله و زاری می‌گوید: «الهی درین من لی غیرک»، تا چه ناله نایب به آسمان رسد. در این ماه، هدایت ضلالت بیمایان گمراه را آرزو کن. ای دل؛ دریایی شو. از خدای سبحان اندک مطلب، چون به بحر زخار رسیدی در پی سبو مگرد. خود را به دریا زن، و از دریا کام جان بستان. از سبوی تنگ نظر چه خواهی؟! رمضان، فصل تغزل و عشقیازبست، هرگاه از شدت سکرگرسنگی و تشنگی در جهت رسیدن به مطلوب بپن تاب

# رمضان، ماه اوست و فصل عشق و عرفان، هنگامه دیدار است، چشم دل بازکن و بنگر که در همه جا، اوست.



**\* رمضان، ماه عبادت و خودسازی است و در روایات اسلامی، وعده‌های فراوان برای استجاب دعاها و پاداش بسیار برای عبادتهای این ماه داده شده است.**

**\* روزه، عامل مهمی برای تقویت اراده و مقابله با خواسته‌ها و تمایلات نفسانی است.**

پذیر، که براستی تو شنوی دانایی.

آنگاه که از سر خوان حلال با قناعت اندک افطاری برخاستی و به ادای قریضه مغرب و عشا همت گماشتی، نخست چند قطره مروراید اشک در صحنه پشم پجیرمات و صدقه سلامتی رمضان خودگردان، آنگاه با تضرع دست به دامن دوست زن و با سوز دل بگو:

ای شکافنده سیده صبح، وای گستراننده خوان نعمت، درخشانت و پیداتر از خورشید، گم‌گشته داریم. غمه این قصه را با که گویم، که عقده‌گشایی جز تو نیست.

معبودا، محبوب ما را که شارح تزیلی است و شارع شرع نبوت و خاتم ولایت، گمازنده جان تاپاکان و برآرتنه نیاز محتاجان و منتقم خون شهیدانه یا شوکت داودی و حشمت سلیمانی در این جشن روحانی قطره ظهورش را انعام روزه‌داران و منتظران مشتاق قرار ده.

او محبوب دل عاشقان است و معقوب جان سالکان از پای افتادگان را دستگیر است و مهربانده او فرمان فرمایست که آسمانیان بر آستانش ایستاده‌اند و زمینان، چشم به راهش دوخته‌اند.

او آینه‌دار کردار و اخلاص ۱۲۴ هزار پیامبر و ظهور جمع جمیع حقایق، که عیسی (ع) بی‌باده‌یست در ظل لوای او و محمد (ص) مشتاقی است آرزومند لقای او. جامع همه زیباییهاست و صاحب همه والاتها. اگرچه او از نظر غایب است و از نظر توده تالی بی‌شانه، لکن شقایقهای سرخ و آلاه‌های دشت و نیلوفران بی‌خه همه و همه نشان از زیبایی و دلربایی او دارند.

یا رب

آن سفر کرده که صد قفله راه همزه اوست  
هر کجا هست غفایا به سلامت دارش (۸)

ای دل، حال که گمشده خود را از معبود ازلی به تمنا نشستی و دل مشتاقتر از قفس سینه به شوق دیدار به سختی می‌طیبد، اکنون که اسیر حبه اشتیاق گردیده‌ای، در عهد خود استوار باش. از همه چیز و همه کس بگسل و از عشق «منتقم مقدر» مگسل، که عهد عاشقان شکستی نیست. در جاده

شدی، بگو:  
معبودا، به هواخواهی و اطاعت فرمان تو، بدان امید که با غمزه‌های و ایمانی دلم را شاد گردانی، روزه گرفتم، و با آفتاب انعلاص و تقوی در جاده نور و راهی گام برداشتم، اینک به لطف و کرمت از من قبول فرما و چون غروب آفتاب رسید و بانک خوش افان را شنیدی بگو:

پروردگارا، اکنون که زوال خورشید فرا رسیده و مهر صیام را با روزی حلالی که تو ارزانیم داشته‌ای می‌شکنم و از فتنه‌های روزگار و اهریمن‌دلان نابکار، به تو پناه می‌برم و توکل می‌کنم، فروزنده مشعل دل سالکان.  
کریم‌ا! اندک طاعت‌م را به حق شکوه و عظمت کبریائیت

انتظار به یاد آر که ترنم هر بامدادت این بود:

«اللهم انى اجدد له فى صبيحه يومى هذا وما عشت من ايامى عهداً و عقداً و بيعة له فى عنقى لا احول عنها و لا ازول ابدأ اللهم اجعلنى من اعوانه و انصاره و الذابين عنه و المصارعين اليه فى قضاء حوائجه و الممثلين لاوامره و المحامين عنه و السابقين الى ارادته و المستشهدين بين يديه...» (۱۰)

بار خدایا (چون خرمی فروردین، و سیده اردیبهشت) در این بامداد روشن و در همه ایام عمرم تازه می‌کنم عهدی را و یمنی را (که به عشق) آن مطلوب غایت در گردن نهاده‌ام؛ هرگز از آن (استوار عهد عاشقانه) سر نیچم و دست ارادت از دامان او برنتام.»

خدایا: مرا از انصار و یاران و مدافعانش در اجرای مقاصدش، و اطاعت کننده اوامرش و حمایت کننده از حضرتش و سبقت گیرنده در ارادتش و به شهادت رسیده در حضورش قرار بده...»

پروردگارا: طلعت زیا و چهره ستوده‌اش را نشاتم ده و چشماتم را با نگاهی به حضرتش متورکن، فرحش را نزدیک و خروجش را آسان گردان...»

سرزمینها را بوجودش آباد کن و با ظهورش بندگانت را حیاتی تازه بخش، آن حضرت را فریاد رس بندگان شتمندیده گردان و یاری دهنده کسی قرارش ده که جز تو یاری ندارد...  
ای دل: در عزم خود استوار باش، مردانه بایست، قلم پای متجاسران را بشکن، با سپاه منتظران هم جهت باش و با مجاهدان فی سبیل الله، همراه و هم سو.

در رمضان او را فریاد کن، مهدی (عج) را می‌گویم. زیرا او هم با رمضان الفتی دیرینه دارد. در این ماه او را طلب نمودن، شیوه بندگی و شور عاشقی است و با صبر، به جنگ سپاه وسوسه تاختن، نشان روشن رأیی است، که نیای والاتبار مهدی (عج) پیشوای نخستین، امام علی «علیه السلام» فرمود: الصبر و یرغم الاعداء» صبر و شکیب، سداد و بردباری بینی ناپاکاران و دشمنان را بر خاک مزلت می‌مالد. و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «الصوم نصف الصبر» روزه نمی از شکیب و بردباری است.

ای دل: رایت بلند مرتبه‌ای را که پیر راحل و امام واصلمان خمینی کبیر سلام الله علیه در ستیغ شرف و والاتنی برافراشت در سایه آن، ظهور موعود آسمانی را روزشماری کن که فرمود:

«ما باید این پرچم به اهتزاز درآمده را به دست توانمند صاحب اصلیش بسپاریم» (۱۱)

بایروان خمینی (س)، تحت رهبری جانشین برحقش خامنه‌ای عزیز همگام باش و در جهت محو آثار اهریمنان ضد شرف و انسانیت، آتی تملل نوز و از شیطان بزرگ و شیطالین زمان هراس نداشته باش که خدای سبحان در مصحف کریم فرموده است:

انه لیس له سلطان علی الذین امنوا: البته شیطان را هرگز بر کسانی که ایمان آورده‌اند تسلطی نخواهد بود. و نیز وعده لایتخلف اوست که:

الا ان حزب الله هم المفلحون: هان بدانید که حزب خدا رستگاراند.

زیر نویس ها:

(۱) سفیة البحار، ماده صوم

(۲) وسائل الشیعه، کتاب صوم، ص ۱۱۶

(۳) سفیة البحار

(۴) عبود اخبار الرضا، ص ۱۶۴

(۵) سوره بقره - ۱۸۳ (کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من

قلکم لعلکم تتقون...)

(۶) مصباح الشریعه، باب شوق

(۷) هلالی حفتایی

(۸) قرآن کریم؛ سوره نور - آیه ۳۵

(۹) حافظ

(۱۰) بخشی از دعای عهد

(۱۱) نقل به مضمون از امام راحل قد